

به نام خدا

دفاع مشروع در حقوق بین الملل و تحولات جدید

به وسیله‌ی:

۱۳۸۲ / ۱ / ۳۰

علی بهارشاهی

پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
تهیه و درج

در رشته‌ی:

۱۳۸۲ / ۱ / ۳۰

حقوق بین الملل

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه بسیار خوب

دکتر نادر مردانی استادیار دانشکده حقوق (رئیس کمیته).....

دکتر محمد امامی دانشیار دانشکده حقوق.....

دکتر بهرام اخوان کاظمی استادیار دانشکده حقوق.....

مهرماه ۱۳۸۱

۴۵۵.۹

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

۸۵۵-۹

سپاسگزاری

اکنون که در آستانه فارغ التحصیلی هستیم بر خود فرض می دانم که از همه اساتیدی که افتخار شاگردی ایشان را داشته ام به ویژه جناب آقای دکتر نادر مردانی استاد راهنما و نیز از جناب آقای دکتر محمد امامی و دکتر بهرام اخوان کاظمی اساتید مشاور که همواره حقیر را در انجام این تحقیق ارشاد و راهنمایی فرمودند تشکر و قدردانی نمایم.

چکیده

دفاع مشروع در حقوق بین الملل و تحولات جدید

به وسیله ی:

علی بهار شاهی

در منشور جهت حفظ صلح و امنیت جهانی دو سیستم در قبال تجاوز طراحی شده است: ۱- سیستم امنیت دسته جمعی توسط شورای امنیت و متشکل از کشورهای عضو ۲- سیستم اضطراری دفاع مشروع وفق ماده ۵۱ منشور. تاکنون به علت وجود تعارض منافع و ناهمگونی میان اعضای دائم شورای امنیت سیستم امنیت دسته جمعی تحقق پیدا ننموده و در مقابل استراتژی استفاده از دفاع مشروع جمعی و پیمانهای نظامی توسعه بیشتری پیدا کرده است.

ماده ۵۱ منشور به حق دفاع مشروع عرفی محدودیتهایی وارد ساخته و اعمال آنرا فقط در صورت وقوع یک حمله مسلحانه بر علیه یک عضو ملل متحد مجاز نموده است. در خصوص ماده ۵۱ منشور دو تفسیر وجود دارد: ۱- تفسیر مضیق ۲- تفسیر موسع. به موجب نظریه اول حق دفاع مشروع فقط در مواردی است که حمله مسلحانه صورت بگیرد و لذا نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه وجود ندارد. بر اساس تفسیر موسع حق دفاع مشروع علیه تهاجم مسلحانه و نیز نقض حقوق اساسی یک دولت اگر چه به صورت مسلحانه هم نباشد وجود دارد. یعنی دفاع مشروع پیشگیرانه صحیح می باشد. البته اگر چه متن فرانسوی منشور تا حدودی مبهم است و بیان می دارد: «چنانچه عضوی از سازمان ملل هدف حمله مسلحانه باشد» اما با توجه به فلسفه تأسیس سازمان ملل متحد و خلوص نیت طراحان آن در نیل به

اهداف عالی حفظ صلح و امنیت جهانی بنظر می رسد که نظریه نخست صحیح باشد. هر چند رویه سازمان ملل در این خصوص منسجم نبوده است.

پس از حملات یازدهم سپتامبر، شورای امنیت با تصویب چندین قطعنامه ضمن محکوم نمودن حملات تروریستی نه تنها آنرا به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی دانست بلکه حق دفاع مشروع فردی و جمعی را در قبال آن به رسمیت شناخت طبق ماده ۴ قطعنامه تعریف تجاوز ۱۹۷۴ که به شورای امنیت اختیار داده شده با توجه به مقررات منشور و به لحاظ ضرورت‌های اجتماعی اعمالی را به تشخیص خود مصادیق تجاوز اعلام نماید و به لحاظ اینکه وظیفه حفظ صلح و امنیت جهانی به عهده شورای امنیت گذاشته شده (ماده ۲۴ منشور) و احراز تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوزکارانه توسط شورای امنیت صورت می گیرد (ماده ۳۹ منشور) و هیچ معیار عینی مشخصی برای تبیین این سه مفهوم وجود ندارد و فقط نظر شورای امنیت در هر سه مورد قاطع می باشد، لذا در فرض اثبات حملات یازدهم سپتامبر از جانب افغانستان نتایجاً حق دفاع مشروع فردی و جمعی برای آمریکا و متحدانش محفوظ می باشد.

البته اقدامات آمریکا و انگلیس پس از حمله به افغانستان با شرایط دفاع مشروع مطابقت ندارد. از جمله حمله به افغانستان بلافاصله پس از حملات یازدهم سپتامبر صورت نگرفت و از جهت کیفیت و کمیت اقدامات دفاعی متناسب با شدت حملات وارده نبود حتی به زعم برخی حقوقدانان ساقط نمودن رژیم طالبان ضرورتی نداشت و حملات آمریکا و انگلیس بیشتر جنبه تلافی جویانه داشت تا دفاع مشروع.

لذا با توجه به تحولات جدید سیاسی اجتماعی اقتصادی جهان باید اصلاحاتی در منشور صورت گیرد از جمله مقابله جدی با تجاوز و تروریسم و کارآمد شدن سیستم امنیت جمعی، شناسایی و رفع عوامل مؤثر در ضعف شورای امنیت، ارتقاء نقش مجمع عمومی از طریق گسترش اختیارات آن در جهت مقابله با تجاوز و حفظ صلح جهانی، تبیین چارچوب قاعده دفاع مشروع با تصریح قیودی چون ضرورت، تناسب و فوریت تا از این رهگذر از تفاسیر مختلف منشور توسط دول که در راستای حفظ منافعشان صورت می گیرد و باعث برهم زدن صلح و امنیت جهانی می شود جلوگیری نمود و صلح و آرامش را برای بشریت به ارمغان آورد.

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۷	فصل اول سابقه تاریخی و ماهیت حقوقی تجاوز و دفاع مشروع در حقوق بین الملل
۸	بخش اول: اصل ممنوعیت توسل به زور
۸	الف) میثاق جامعه ملل.....
۹	ب) پیمان لوکارنو.....
۱۱	ج) پیمان بریان - کلوگ.....
۱۱	د) مفاد منشور ملل متحد.....
۱۳	۱) بنده ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد.....
۱۵	۲) منع توسل به زور در تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل.....
۱۸	بخش دوم: تحلیل ماهیت تجاوز از دیدگاه حقوق بین الملل
۱۸	الف) بررسی ماهیت تجاوز.....
۲۲	ب) منع تجاوز و تعریف آن در قراردادهای دو جانبه.....
۲۴	ج) کنفرانس سانفرانسیسکو.....
۲۶	د) اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد تعریف تجاوز.....
۲۸	ه) بررسی قطعنامه تعریف تجاوز.....
۳۷	و) ارزش حقوقی قطعنامه ۱۹۷۴.....

فصل دوم اصل دفاع مشروع یک استثناء بر اصل توسل به زور ۳۸

بخش اول: مبنای تاریخی حق دفاع مشروع ۳۹

الف) دفاع مشروع در میثاق جامعه ملل ۳۹

ب) دفاع مشروع در قرارداد پاریس ۴۱

ج) دفاع مشروع در منشور سازمان ملل متحد ۴۳

۱) دفاع مشروع در دادگاه نورنبرگ ۴۴

۲) دفاع مشروع در دادگاه توکیو ۵۰

۳) دفاع مشروع در دیوان بین‌المللی دادگستری ۵۳

اول) قضیه کانال کورفو ۵۵

دوم) اقدامات نظامی و شبه نظامی ۵۷

سوم) رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید یا

استفاده از سلاحهای هسته‌ای ۶۰

بخش دوم: تعریف، ماهیت حقوقی و شرایط حق دفاع مشروع ۶۲

گفتار اول: تعریف دفاع مشروع ۶۲

گفتار دوم: سوابق دفاع مشروع بموجب مصوبات منشور ۶۵

الف) سوابق مربوط به تصویب ماده ۵۱ منشور ملل متحد ۶۵

ب) تفسیر ماده ۵۱ منشور ملل متحد ۶۸

۱) تفسیر ماده ۵۱ با توجه به مفاد آن ۶۹

۲) تفسیر ماده ۵۱ از نظر ارتباط با سایر مواد منشور ۶۹

۳) تفسیر ماده ۵۱ با توجه به تصمیمات شورای امنیت و مجمع عمومی ۷۰

ج) ارتباط ماده ۵۱ منشور با حقوق بین‌الملل عرفی ۷۱

۱) نظریات کسانی که معتقدند ماده ۵۱ به حق دفاع مشروع حقوق عرفی

محدودیتی وارد نساخته است ۷۴

۲) نظریات کسانی که معتقدند ماده ۵۱ موارد اعمال حق دفاع مشروع

عرفی را محدود ساخته است..... ۷۷

د) شرایط دفاع مشروع بموجب مقررات منشور..... ۸۱

۱) وجود تجاوز..... ۸۱

اول) اقدامات تجاوزکارانه مستقیم..... ۸۸

دوم) اقدامات تجاوزکارانه غیرمستقیم..... ۹۱

۲) ضرورت..... ۹۳

۳) تناسب..... ۹۷

اول) تناسب از جهت کمیت اقدامات دفاعی..... ۹۷

دوم) تناسب از جهت کیفیت اقدامات دفاعی..... ۱۰۳

بخش سوم: حقوق مشابه حق دفاع مشروع..... ۱۰۶

الف) خودیاری..... ۱۰۶

ب) حق حفظ موجودیت..... ۱۰۷

ج) ضرورت یا اجبار..... ۱۰۹

بخش چهارم: انواع دفاع مشروع در حقوق بین الملل..... ۱۱۰

گفتار اول: دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت و اتباع..... ۱۱۰

الف) دفاع از تمامیت ارضی..... ۱۱۰

ب) دفاع از اتباع..... ۱۱۶

۱) دفاع از اتباع در خارج از محدوده قلمرو ملی با رضایت دولت محل..... ۱۲۶

۲) دفاع از اتباع در خارج از محدوده قلمرو ملی با عدم رضایت دولت

محل..... ۱۲۷

گفتار دوم: دفاع مشروع در دریای آزاد..... ۱۲۹

گفتار سوم: دفاع مشروع در فضای ماوراء جو..... ۱۳۱

فصل سوم: دفاع مشروع و تحولات جدید ۱۳۳

بخش اول: دفاع مشروع جمعی ۱۳۴

گفتار اول: دفاع مشروع جمعی مبتنی بر کدام نظریه است ۱۳۴

الف) تئوری همبستگی امنیتی ۱۳۴

ب) تئوری مشابهه با حقوق داخلی ۱۳۶

ج) تئوری دفاع مشروع جمعی حافظ صلح بین المللی ۱۳۷

د) تئوری منافع ۱۳۸

گفتار دوم: شرایط حق دفاع مشروع جمعی ۱۴۰

الف) تجاوز ۱۴۰

ب) اصل ضرورت ۱۴۱

ج) اصل تناسب ۱۴۵

د) اطلاع رسانی به شورای امنیت ۱۴۷

بخش دوم: دفاع مشروع جمعی و مداخلات بشر دوستانه ۱۵۰

گفتار اول: مداخلات بشر دوستانه یک دولت در قلمرو دولت دیگر ۱۵۱

گفتار دوم: مداخلات بشر دوستانه توسط یا با مجوز سازمان ملل متحد ۱۵۴

۱) اصل حاکمیت ۱۵۴

۲) اصل عدم مداخله ۱۵۵

۳) ارتباط حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در عرصه بین المللی ۱۵۶

گفتار سوم: بررسی تحولات اخیر مداخلات بشر دوستانه ۱۵۸

۱) بررسی چند نمونه از مداخلات بشر دوستانه ۱۵۹

۲) تفاوت مداخلات بشر دوستانه با حق دفاع مشروع ۱۶۷

بخش سوم: مقایسه دفاع مشروع دسته جمعی با نهادهای

سیستم امنیت جمعی در منشور ۱۶۸

- گفتار اول: موافقتنامه‌های منطقه‌ای ۱۶۸
- الف) موافقتنامه‌های منطقه‌ای و دفاع مشروع جمعی ۱۷۱
- ب) تفاوت میان سیستم منطقه‌ای و دفاع مشروع جمعی ۱۷۶
- گفتار دوم: نقش شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ۱۷۷
- بخش چهارم: دفاع مشروع و تروریسم** ۱۸۹
- گفتار اول: مفهوم تروریسم ۱۸۹
- الف) تعریف تروریسم ۱۸۹
- ب) انواع ترور ۱۹۶
- ج) تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل سنتی ۱۹۸
- د) تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل جدید ۱۹۹
- گفتار دوم: مواضع حقوق بین‌الملل عمومی در قبال تروریسم ۲۰۰
- الف) معاهدات حقوقی ناظر بر منع تروریسم ۲۰۲
- ب) آخرین اقدامات سازمان ملل متحد پیرامون تروریسم ۲۰۴
- ۱) کنوانسیون بین‌المللی منع بمب‌گذاری‌های تروریستی ۲۰۴
- اول) زمینه‌های اقدام ۲۰۴
- دوم) مروری بر متن کنوانسیون ۲۰۶
- ۲) کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم ۲۰۸
- گفتار سوم: ترور دولتی و دیدگاه کشورها در خصوص تروریسم ۲۰۹
- دولتی ۲۰۹
- الف) ایالات متحده آمریکا ۲۰۹
- ب) جمهوری اسلامی ایران ۲۱۲
- ج) برخی از مصادیق تروریسم دولتی ۲۱۳
- ۱) ایالات متحده آمریکا ۲۱۳

۲۱۵	اسرائیل..... (۲)
۲۱۶	حادثه گروگانگیری در تهران..... (۳)
۲۱۸	حادثه کشتی آشیلارو..... (۴)
۲۲۱	قضیه لاکربی..... (۵)
۲۲۳	اعمال صلاحیتهای قضایی علیه تروریسم..... (د)
۲۲۶	قاعده عدم استرداد..... (۱)
۲۲۷	استثناء جرم سیاسی..... (۲)
۲۳۰	گفتار چهارم: تروریسم و حق دفاع مشروع..... (۳)
۲۳۰	الف) تروریسم و حقوق بین الملل عمومی..... (الف)
۲۳۱	(۱) تروریسم و حقوق بشر..... (۱)
۲۳۳	(۲) تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه..... (۲)
۲۳۵	اول) مخاصمات مسلحانه بین المللی..... (اول)
۲۳۷	دوم) مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی..... (دوم)
۲۳۸	(۳) تروریسم و وجه تمایز آن با دفاع مشروع..... (۳)
۲۴۰	ب) اقدامات سازمان ملل متحد در خصوص مبارزه با تروریسم..... (ب)
۲۴۰	(۱) مفهوم عبارت تهدید صلح و امنیت بین المللی مندرج در منشور... (۱)
۲۴۴	(۲) عملکرد دو رکن اصلی سازمان ملل متحد..... (۲)
۲۴۷	(۳) واکنش شورای امنیت در قبال حوادث یازدهم سپتامبر..... (۳)
۲۵۸	(۴) حمله نظامی به افغانستان حل معضل تروریسم یا دفاع مشروع..... (۴)
۲۶۲	(۵) استراتژی مقابله با تروریسم..... (۵)
۲۷۲	نتیجه گیری..... (نتیجه گیری)
۲۷۸	منابع و مآخذ..... (منابع و مآخذ)
	چکیده و صفحه عنوان انگلیسی..... (چکیده و صفحه عنوان انگلیسی)

مقدمه

حق دفاع مشروع^(۱) همواره در تمام ادوار تاریخ به عنوان یک حق طبیعی و ذاتی جهت مقابله با نیروهای متجاوز مورد استناد قرار گرفته است. اما کشورهای قدرتمند برای نیل به اهداف سیاسی خود با تمسک به دفاع مشروع باعث بروز جنگ‌های مخرب بویژه دو جنگ جهانی اول و دوم گردید لذا به مرور زمان اصل توسل به زور در روابط بین‌المللی مورد نکوهش قرار گرفته و محدود گردید.

در سال ۱۹۱۹ پس از جنگ اول جهانی در ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل رعایت و حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی اعضاء علیه هر تجاوز خارجی خاطر نشان شده بود اما جنگ و تجاوز ممنوع نشده بود. متعاقب آن در سال ۱۹۲۸ میثاق بریان کلوگ در توسل به معنای واقعی آن محدودیتهایی ایجاد کرد. در نهایت جامعه ملل چون مکانیسم مؤثر اجرایی برای جلوگیری از تجاوز در اختیار نداشت و ترتیبات پیش‌بینی شده در میثاق عملاً قابلیت اجرایی نداشت، جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست. کشتار میلیون‌ها انسان و وقوع بزرگترین جنایات فجیع تاریخ باعث گردید تا در تدوین منشور سازمان ملل متحد اصل منع توسل به زور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردد.

بموجب ماده (۴) ۲ منشور سازمان ملل متحد اعضاء متعهد گردیده‌اند که «در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری کنند» علیرغم توصیه منشور به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی استفاده از زور تنها در دو مورد مجاز گردیده است و به عبارتی دو سیستم دفاعی در مقابله با تجاوز طراحی شده است: ۱- سیستم اصلی،

امنیت دسته جمعی توسط شورای امنیت و متشکل از کشورهای عضو سازمان ملل متحد. ۲- سیستم اضطراری دفاع مشروع فردی و جمعی.

تاکنون به علت وجود موانعی از قبیل تعارض منافع و ناهمگونی میان اعضاء دائمی شورای امنیت در اقصی نقاط جهان و در نتیجه عدم دستیابی و توافق شورا در تصمیم‌گیری مناسب موجب شده تا سیستم امنیت جمعی تحقق نیابد اما استفاده از دفاع مشروع جمعی و پیمانهای نظامی توسعه بیشتری پیدا نماید.

سیستم اضطراری دفاع مشروع که به موجب ماده ۵۱ منشور بیان گردید، به لحاظ نامشخص بودن دامنه دقیق حدود و شرایط آن به دولتها اجازه می‌دهد که بر حسب منافع ملی خود حتی در مواقعی که مشروعیت آن محل تردید است، مورد استناد قرار بگیرد از جمله می‌توان به حملات انگلیس و اسرائیل به مصر، آمریکا به نیکاراگوئه، پاناما، گرانادا و لیبی، حملات شوروی سابق به مجارستان، چکسلواکی و افغانستان، جنگهای کره، هند و پاکستان، ایران و عراق، عراق و کویت، و حمله آمریکا و انگلیس به افغانستان؛ اشاره کرد.

در خصوص تفسیر ماده ۵۱ منشور دو تفسیر وجود دارد: ۱- تفسیر مضیق ۲- تفسیر موسع. بموجب نظریه اول حق دفاع مشروع فقط در مواردی است که حمله مسلحانه‌ای صورت بگیرد، لذا نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه وجود ندارد. مفهوم دفاع مشروع پیشگیرانه این است که دولتی با توجه به احتمال وقوع تهاجم طرف مقابل به اقدام پیشگیرانه جهت دفاع مشروع دست بزند. بر اساس تفسیر موسع حق دفاع مشروع علیه تهاجم مسلحانه و نیز علیه نقض حقوق اساسی یک دولت اگرچه به صورت مسلحانه نباشد وجود دارد. یعنی دفاع مشروع پیشگیرانه صحیح می‌باشد. اگرچه متن فرانسوی منشور تا حدودی مبهم است و می‌گوید: «چنانچه عضوی از سازمان ملل هدف حمله مسلحانه باشد» علی‌حال به نظر می‌رسد با توجه به فلسفه تشکیل سازمان ملل و مفهوم مفاد منشور و خلوص نیت طراحان آن در نیل به اهداف عالی حفظ صلح و امنیت جهانی نظریه نخست صحیح باشد. هر چند رویه معمول دول بر خلاف این تفسیر می‌باشد.

اعمال حق دفاع مشروع منوط به رعایت شرایطی خاص می‌باشد از جمله وقوع تجاوز مسلحانه و فوریت و ضرورت مقابله و رعایت تناسب دفاع با حمله. لذا تحت هیچ شرایطی نباید

اقدامات مربوط به دفاع مشروع تبدیل به اعمال تلافی جویانه مسلحانه شود. دامنه دفاع مشروع محدود به قلمرو ارضی نیست و می‌تواند در حمله علیه کشتی‌ها در دریای آزاد و یا مشغول استفاده از حق عبور بی ضرر مورد استناد قرار بگیرد.

علیرغم اینکه به نظر می‌رسد در تصویب ماده ۵۱ منشور مفهوم عرفی حق دفاع مشروع مد نظر قرار گرفته لکن نوآوریها و اصلاحاتی نیز لحاظ گردیده است از قبیل حمله مسلحانه، محفوظ بودن حق دفاع مشروع فردی و جمعی، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد. ارائه گزارش فوری به شورای امنیت، محفوظ بودن اختیارات و مسئولیت شورای امنیت در انجام اقدامات لازم هر زمانی که ضروری تشخیص دهد به منظور حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی. یعنی دفاع مشروع محدودیت زمانی یافته و بی حد و حصر نیست و باید کشور دفاع‌کننده ضمن ارائه گزارش به شورای امنیت تابع تصمیمات آن باشد و شورای امنیت به عنوان حافظ صلح و امنیت جهانی هر موقع که ضروری تشخیص دهد هر اقدام لازمی را طبق مواد ۳۹ تا ۴۲ منشور به عمل می‌آورد و کلیه اعضا سازمان ملل از جمله طرفین درگیر طبق ماده ۲۵ منشور ملزم به قبول و اجرای تصمیمات شورای امنیت می‌باشند.

در فصل هشتم منشور قراردادهای منطقه‌ای پیش‌بینی شده که در راستای سیستم امنیت دسته جمعی و به عنوان مکمل آن قادرند عملیات اجرایی مناسب را تحت اختیار و یا با اجازه شورای امنیت انجام دهند.

با توجه به اشکالات فلج‌کننده نظام امنیت دسته جمعی سازمان ملل متحد، معاهدات دوجانبه و چندجانبه از قبیل پیمان ناتو و ورشو با تمسک به ماده ۵۱ منشور منعقد گردیدند که بر اساس آن هر کشور عضو پیمان تعهد می‌نماید در صورت حمله مسلحانه علیه هر یک از اعضا به کمک آنان بشتابد. نکته حائز اهمیت این است که چگونه ممکن است کشور ثالث که هدف تجاوز قرار نگرفته و عنصر مادی تجاوز علیه آن هرگز تحقق نیافته بصرف داشتن قرارداد دفاعی با تقاضای کشور قربانی به طرفداری از کشور هم‌پیمان تحت عنوان دفاع مشروع جمعی وارد جنگ شود. مفهوم دفاع مشروع نه تنها به موجب ماده ۵۱ منشور به شرح مذکور متحول گردیده بلکه تقابل و تبیین دقیق جایگاه مفهوم دفاع مشروع و تمایز آن در ارتباط با مفاهیمی چون سیستم

امنیت دسته جمعی، مداخلات بشر دوستانه، حقوق بشر، قراردادهای منطقه‌ای و تروریسم در عرصه حقوق بین الملل بسیار تعیین کننده و حائز اهمیت است.

پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی شورای امنیت بلافاصله مبادرت به صدور قطعنامه‌هایی نمود که در آنها ضمن محکوم کردن عملیات تروریستی علیه آمریکا آنرا تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی دانسته حق ذاتی دفاع فردی و جمعی را مورد تأکید قرار داده و از همه دولت‌ها دعوت نمود تا عاملان سازمان دهندگان و حامیان این حملات را تسلیم عدالت نماید. با مذاقه در قطعنامه‌های صادره می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً شورای امنیت حق دفاع فردی و جمعی را برای آمریکا به رسمیت شناخته لذا حملات تروریستی را در حکم حمله مسلحانه تلقی نموده است. ثانیاً حملات تروریستی را به عنوان تهدیدی علیه صلح امنیت جهانی دانسته است به این نتیجه می‌رسیم که به موجب قطعنامه‌های مزبور جایگاه و مفهوم دفاع مشروع در قبال تحولات جدید جهانی به نوعی متحول گردیده است و الاً صرف حملات یازدهم سپتامبر را که هنوز انتساب آن به افغانستان در هیچ مرجع ذیصلاح بین المللی اثبات نگردیده است را چگونه می‌توان حمله مسلحانه تلقی کرد. بعلاوه حق دفاع مشروع در حقوق بین الملل تنها به دولت‌ها اختصاص دارد و در ما نحن فیه حمله صرفاً از داخل خاک آمریکا صورت گرفته و از جانب دولتی نبوده تا اقدام مسلحانه از جانب آن دولت تلقی شود. از دیگر سو اقدامات آمریکا و انگلیس در حمله به افغانستان در چارچوب شرایط دفاع مشروع نمی‌گنجد چرا که پس از یازدهم سپتامبر دیگر تجاویزی به طور مستدام و مستمر وجود ندارد تا در قبال آن دفاعی متصور باشد و دفاع باید بلافاصله پس از حمله باشد در حالی که حمله به افغانستان فاقد این شرایط بود. شدت حملات و گستردگی لشکرکشی آمریکا و انگلیس به افغانستان از بعد کمی و کیفی با حملات یازدهم سپتامبر تناسب نداشت و وسیع تر بود و بنظر برخی حقوقدانان ساقط نمودن رژیم طالبان ضرورتی نداشت و حملات آمریکا و انگلیس بیشتر جنبه تلافی جویانه داشت تا دفاع مشروع.

علی‌الیهال علت انتخاب موضوع بعلت نو و تازه بودن مطالب آن و اینکه درخصوص سابقه موضوع تحقیقات کاملی که جدید باشد صورت نگرفته می‌باشد. بعلاوه اینکه کشور ما در منطقه ژئوپولیتیک و بحران خیز خاورمیانه واقع گردیده که هر لحظه در آن امکان استناد به دفاع مشروع